

## ۲. مثبتات دلیل حجت

**سؤال:** اگر ما دلیل حجت داشتیم یعنی فهمیدیم چیزی حجت است، چه مقدار از مدلولات آن برای ما حجت است؟ به بیان دیگر اینکه: دلیلی که حجت آن بر ما ثابت شده فقط مدلول مطابقی (پاورقی توضیح) آن بر ما حجت است یا مدلول التزامی (پاورقی توضیح) آن هم برای ما حجت است؟

**جواب الف** جواب شهید صدر

**ب** جواب معروف علما

**۱) جواب شهید صدر:** ما سه نوع دلیل داریم **۱. دلیل قطعی** **۲. دلیل ظنی** [ظنون معتبره] **۳. اصول عملیه**

**۱. دلیل قطعی:** علاوه بر مدلول مطابقی مدلول التزامی آن هم حجت است

**۲. دلیل ظنی: الف)** دلیل ما، هم قابل انطباق بر مدلول های مطابقیه هست هم التزامیه : علاوه بر مدلول مطابقی مدلول التزامی هم حجت است

**ب)** دلیل ما فقط قابل انطباق بر مدلول های مطابقیه است : مدلول التزامیه آن حجت نیست

**۳. اصول عملیه:** مدلول التزامیه آن حجت نیست

**توضیح:**

**۱. دلیل قطعی:** القطع بشئ قطع بلوازمه، یعنی اگر ما دلیل قطعی برای حکمی داشتیم بدون هیچ شک، هم مدلول مطابقی آن حجت است هم مدلول التزامی آن.

**۲. ظنون معتبره یا امارات:** چون حجت ظنون و امارات مانند قطع نیست بلکه جعلی است، باید برویم سراغ دلیلی که این اماره را برای ما حجت قرار داده است، اگر آن دلیل سعه داشت یعنی علاوه بر مدالیل مطابقیه بر مدالیل التزامیه هم قابل انطباق بود، میگوییم هردو حجت است مثل اینکه دلیل ما بگوید: الإخبار بشئ إخبار بلوازمه ( خبر دادن از چیزی خبر دادن از مدلول التزامیه آن هم هست ) مثلاً خبر واحد ثقهای می گوید: زید زیر باران رفت لازمه اش این است که خیس شده باشد به این صورت که می گوئیم اگر خبر واحد ثقه در مدلول مطابقی خودش حجت است [زیر باران رفتن] در مدلول التزامی آن هم حجت دارد [خیس شدن].

- پس جایی که دلیل ما قطعی بود، یا آنجا که دلیل ما ظنی است ولی دلیلی که مثبت حجیت این دلیل ظنی است یک سعه‌ای را در نظر گرفته (پاورقی: یعنی در نظر دارد هم مدلول مطابقی هم مدلول التزامی حجت است) هم مدلول مطابقی هم مدلول التزامی آن را حجت قرار می‌دهیم.

**ج** غیر از دو صورت بالا دو صورت دیگر باقی می‌ماند: الف) دلیل ظنی غیر سعه ب) اصول عملیه که در این دو صورت فقط مدلول مطابقی را حجت می‌دانیم و مدلول التزامی برای ما حجت نمی‌باشد مرحوم خوئی: دلیل حجیت ظهورعرفی و مانند آن به خودی خود فقط مدلول مطابقی را ثابت می‌کنند و بیش از آن را ثابت نمی‌کنند مگر اینکه قرینه خاصی بر حجت بودن دلالت التزامیه آن باشد

### \*معروف علماء:

مثبتات امارات: حجت است. } مثبتات  
مثبتات اصول عملیه: حجت نیست [مگر اینکه دلیل و قرینه خاصی بر حجیت آن باشد]

**سوال:** چرا مدلولات اصول عملیه حجت نیست؟

**جواب:** زیرا در اصول عملیه فقط دنبال بنا گذاری عملی هستیم و خارج از آن مجوزی نداریم یعنی لوازم آن (مدلولات التزامیه اصول عملیه) را قبول نداریم، مانند جایی که شخصی نذر کرده اگر فرزندش محاسن در آورد صدقه بدهد و الآن که چندین سال است از او دور است لازم‌اش این است که طبق قاعده ی استصحاب او زنده است و لازم‌اش این است که محاسنش در آمده پس صدقه بر این شخص واجب شده ولی علماء چنین لوازمی را برای اصول عملیه قبول ندارند.

(پاورقی تا قبل از شیخ انصاری «ره» این بحث مدلول التزامی اصول روشن و مبسوط نبود.)

**مرحوم نائینی** کلام علما را طبق مبنای خودشان اینگونه توجیه و تفسیر کرده اند :

(پاورقی: مبنای مرحوم نائینی: جعل طریقت و علمیت برای اماره یعنی مولا که گفته جعلت الاماره حجه یعنی جعلت الاماره علما و کاشفا تماما تعبدا)

مولی برای اماره جعل حجیت کرده ، یعنی اماره را علم قرار داده، همانطور که در قطع می‌گفتید العلم [قطع] بشیء علم بلوازمه یعنی تمام آثار علم و قطع سرایت به لوازم اش هم می‌کند، نسبت به اماره هم همین را می‌گوییم یعنی می‌گوییم مدلولات التزامیه اماره هم حجت است، چون اماره هم علم شده منتهی علماً تعبداً.

اما در اصول عملیه این چنین نیست. چون مولی اصول عملیه را به صورت کلی حجت قرار نداده است بلکه فقط ما را متعبد به جری و بنا گذاری عملی کرده است یعنی فقط در همین حد است نه بیشتر، که مدلولات التزامیه اصول عملیه را هم شامل شود.

### **اشکال مرحوم خوئی به مسلک میرزای نائینی [مسلک جعل طریقت]:**

دلیل حجیت در باب امارات، برای اماره جعل علمیت نکرده است، و بر فرض هم که قبول کنیم جعل علمیت کرده، خود شما هم قبول دارید که این علم، علم حقیقی و وجدانی نیست بلکه علم تعبدی و جعلی است، و امری که جعلی است نه ذاتی محدود است و باید بینیم محدوده ی آن تا کجاست، و هنگامی که بررسی میکنیم می بینیم علم به حجیت لوازم (مدلولات التزامیه)، مربوط به علم حقیقی و وجدانی است نه علم تعبدی جعلی.

**پس مرحوم خوئی:** نه تنها تفصیل میرزای نائینی را نپذیرفتند بلکه به خلاف معروف اساساً حجیت مثبتات امارات را هم نپذیرفتند یعنی می‌فرمایند: مدلولات التزامیه نه در امارات و نه در اصول حجت نیستند.

### **\*و الصحیح ما علیه المشهور:**

**شهید صدر:** صحیح همان نظر مشهور است و مطلب عمیق تر از آن است که مرحوم نائینی فرمودند به این بیان که: گاهی آن دلیلی که جعل حجیت برای آن می‌شود به ملاک قوه الاحتمال است گاهی به ملاک قوه المحتمل.

**قوه الاحتمال:** یعنی جنبه ی کاشفیت مهمتر بوده مثلاً مولی دیده در ۸۰٪ خبر ثقه کاشفیت از واقع دارد، در این صورت که ملاک و مصلحت جعل قوه الاحتمال ————— بود می‌شود از باب امارات.

**قوه المحتمل:** یعنی کاشفیت ندارد یا مورد توجه نیست بلکه اینجا قوه المحتمل برای مولی مهم بوده مانند اصاله الاحتیاط مثلاً حقوق ناس یا دماء و فروج که چون محتمل قوی است باید احتیاط کرد.

در این صورت که ملاک و مصلحت جعل، قوه المحتمل ————— بود می‌شود از باب اصول عملیه.

وقتی شارع به ملاک قوه الاحتمال برای دلیلی جعل حجیت کرد، یعنی کاشفت آن دلیل مد نظرش بوده و می‌گفته در اکثر موارد می‌تواند کشف واقع کند در اینجا دیگر فرقی میان مدلول مطابقی و التزامی نیست مثلاً

اگر طبق خبر واحد ثقه پذیرفتیم که زید زیر باران رفته مدلول التزامی آن یعنی خیس شدن زید هم ثابت می‌شود.

اما درباره ی اصول عملیه، مدالیل التزامی آن نمی‌تواند حجت باشد چون اصلاً کاشفیت از واقع مطرح نیست زیرا قوه‌المهتمل مهم است نه قوه الاحتمال و تکلیف فقط در مقام عمل است.

از آنجایی که جزوه در حال ویرایش هست، لطفاً ایرادات احتمالی را حتماً اطلاع بدید

۰۹۱۲۷۵۸۸۶۲۴ @abdorreza۱۲۸ کانال حلقه‌ی ثالثه ۳ halqeh